

سفالینه‌های نیشابور و سامرا در قرون سوم و چهارم هجری

زینب براتی*
محسن جاوری**

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۱۱

مذهب، یکی از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر شکل‌گیری آثار هنری در طول تاریخ می‌باشد. دین اسلام در تمام جنبه‌های زندگی مسلمانان از جمله آثار هنری تاثیر گذاشت و سفالگری از این امر مستثنی نبود. یکپارچگی قلمرو سرزمین‌های اسلامی از عوامل موثر بر ویژگی‌های سفال اسلامی به‌شمار می‌آید. طی سده‌های سوم و چهارم هجری قمری و مقارن با حکومت عباسیان، رواج شیوه‌های مشابهی در سفالگری اسلامی مشاهده می‌شود. با کشف آثار سفالی مشابه در نیشابور و سامرا، نظریات متفاوتی در این باره مطرح گردیده است. این مقاله بر آن بوده است با بررسی سفالینه‌های این دو منطقه در محدوده زمانی مورد اشاره، به ویژگی‌ها و خصوصیات شاخص گونه‌شناسی سفال هر یک از مناطق مذکور دست یابد. سوالات این پژوهش عبارت‌اند از: سفالینه‌های قرون سوم و چهارم نیشابور و سامرا دارای چه تنوعات تکنیکی در ساخت و لعابکاری هستند؟ تفاوت‌ها و تشابهات تولیدات این منطقه و چگونگی تاثیرپذیری سنت‌های سفالگری ایران از تکنیک‌های بیرونی کدام است؟ برای انجام این تحقیق از رویکردی تحلیلی-توصیفی و استناد به منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است. نتایج این تحقیق مؤید آن است که تنوع فرم در سفالینه‌های نیشابور، بیشتر به شکل کاسه، قندق و بشقاب با لبه صاف و گاه برگشته، بدنه کشیده و کف حلقه‌ای است. این سفالینه‌ها با تکنیک‌های پوشش گلی، نقاشی زیرلعابی سفید با آبی لاجوردی، لعاب پاشیده، نقش کنده و زرین‌فام تزئین شده‌اند. سفالینه‌های سامرا در این زمان، اغلب به شکل بشقاب، کاسه، فنجان‌هایی با دیواره عمودی و کوزه بدون گردن با دسته‌های عمودی می‌باشند که با تکنیک پوشش گلی، نقاشی زیر لعابی سفید با آبی لاجوردی و قهوه‌ای، لعاب مات سفید به تقلید از سفال چین، لعاب پاشیده و زرین‌فام مزین شده‌اند. در ترکیبات بدنه‌های سامرا و نیشابور تفاوت‌هایی مشهود است و حلقه پایه یکی از ویژگی‌هایی است که در هر منطقه، ویژگی خاص خود را داراست. وجود نمونه‌های سفال مشابه در نیشابور و سامرا، حاکی از تأثیرات هنر ساسانی، هنر چین و اثرگذاری سفالگران مقیم عراق می‌باشد که ویژگی‌های منحصر سفال دوره عباسی را رقم می‌زنند. سیاست، تجارت، پیوند و ارتباط خانوادگی (ایرانیان و عباسیان)، گردهمایی صنعتگران و هنرمندان در بغداد و وجود راه‌های تجاری آبی و خاکی، تأثیرات گسترده و پراهمیتی را بر آفرینش این سفالینه‌ها بر جای گذارده‌اند.

کلیدواژه‌ها:

سفال اسلامی، سده‌های سوم و چهارم هجری قمری، نیشابور، سامرا.

*کارشناس ارشد هنر اسلامی، دانشگاه کاشان.

**استادیار باستان‌شناسی دانشگاه کاشان (نویسنده‌مسئول)، پست الکترونیک: javeri@kashanu.ac.ir

صناعات
همراه ایرا

سال دوم، شماره ۱، پاییز و زمستان ۹۷

(صفحات ۵۷ تا ۶۷) ۵۷

۱. مقدمه

واژه سفال اسلامی در کتاب‌های تاریخ هنر و کتب مربوط به هنر اسلامی بسیار دیده می‌شود و اغلب، القاء‌کننده نقوش و فنون لعابکاری متفاوتی است که جزء شاخصه‌های شناسایی سفال اسلامی است. این تغییرات، بسته به زمان و مکان تولید آثار هنری در سرزمین‌های اسلامی متفاوت است.

در میان هنرهای اسلامی، سفالگری اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چرا که با ساده‌زیستی که مظهر اسلام است هماهنگ است. تعداد بسیاری سفالینه از تمدن اسلامی باقی مانده که زینت‌بخش موزه‌ها و مجموعه‌های جهان است. عواملی مانند سوابق تاریخی منطقه، نقل و انتقالات سیاسی، هجوم‌های جنگی و مذهب بر فرم و شکل ظروف تأثیر می‌گذارند و تولیدات خاص یک منطقه را شکل می‌دهند. به علت یکپارچه‌بودن امپراتوری اسلامی، روابط تجاری، تبادل اطلاعات و تکنیک‌ها در جغرافیای اسلامی، سفالگران مسلمان از روش‌های تزئین و فنون لعاب‌کاری یکدیگر تقلید کرده و آن را با ذوق، قریحه و سنت‌های منطقه‌ای خویش ترکیب می‌کردند. به‌رغم این تقلیدها، تولیدات سفال اسلامی هر منطقه، خصوصیت مخصوص به خود را دارند که قابل تشخیص از یکدیگر می‌باشند.

سفال یکی از تولیدات هنری است که پیوند بسیار نزدیکی با زندگی مردم دارد، چرا که در زمینه‌های مختلف زندگی کاربرد دارد. این پیوند نزدیک با زندگی روزمره باعث می‌شود که هر تغییری در شرایط اجتماعی، طرز معیشت، فرهنگ، مذهب و ... که در جامعه رخ می‌دهد، تأثیر مستقیمی بر تولید آثار داشته باشد. فرم و شکل ظروف سفالین یکی از مشخصه‌هایی است که در هر دوره زمانی و بر اساس شرایط دستخوش تغییر قرار گرفته است.

بدون تردید، سفال‌های سده ۴ و ۳ ه.ق. را می‌توان از خلاقانه‌ترین مصنوعات اوایل دوره اسلامی برشمرد. با کشف نمونه‌های سفالی مشابه در نیشابور و سامرا، نظریات متفاوتی در این باره مطرح گردیده است. در پی شناخت سفالینه‌های این دوره و به دنبال آن دستیابی به نظریات منطقی در این خصوص، نگارش این پژوهش اهمیت یافته است. با توجه به نقش مهم ایرانیان در دستگاه خلافت عباسیان و کشف نمونه‌های مشابه در ایران و عراق، گونه‌شناسی سفال این مناطق و مقایسه این آثار از اهداف پژوهش حاضر است. سؤالاتی که در این پژوهش مورد توجه قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: سفالینه‌های قرون سوم و چهارم نیشابور و سامرا دارای چه تنوعات تکنیکی در ساخت و لعابکاری هستند؟ چه تشابهات و تفاوت‌هایی میان این تولیدات وجود دارد و چه تأثیراتی بر یکدیگر داشته‌اند؟ و تأثیرپذیری سنت‌های سفالگری ایران از شیوه‌ها و تکنیک‌های بیرونی کدام است؟ گردآوری مطالب این تحقیق به صورت تحلیلی - توصیفی و با ابزار کتابخانه‌ای انجام یافته است.

۲. پیشینه تحقیق

در منابع متعدد سفال اسلامی، آثار سفالین نیشابور و سامرا مورد توجه قرار گرفته و نمونه‌هایی از این آثار معرفی شده‌اند. گروه^۱ (۱۳۸۴) در جلد هفتم مجموعه هنر اسلامی و در کتاب *سفال اسلامی* به معرفی سفال دوران عباسی و نمونه‌های کشف شده در سامرا و همچنین، چندین گونه از انواع سفال یافت‌شده در نیشابور می‌پردازد. آنتینگهاوزن در کتاب هنر و معماری اسلامی به تأثیر هنر دوره ساسانی ایران، هنر سفالگری عراق دوره عباسی و سفال چین در شکل‌گیری سفال اسلامی اشاره می‌کند (۱۳۷۸، ۳۰۶-۳۰۷). ویلکینسون^۲ (۱۹۷۳) در کتاب *Nishapur: Pottery of the Early Islamic Period*، حاصل کاوش‌های منطقه نیشابور از جمله آثار سفالین با تزئینات کتیبه‌ای، نقاشی گلابه‌ای، لعاب پاشیده، چند رنگ بر پوشش سفید، لعاب مات سفید، لعاب مات زرد، لعاب قلیایی، انواع بدون لعاب، چینی و ... را ارائه نموده است. در خصوص سفالینه‌های کتیبه‌دار یافت‌شده در نیشابور نیز چندین پژوهش مجزا صورت گرفته است. آزادبخت و طاووسی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «استمرار نقش‌مایه‌های ظروف سیمین دوره ساسانی بر نقوش سفالینه‌های دوره سامانی نیشابور»، چنگیز و رضالو (۱۳۹۱) در «ارزیابی نمادین نقوش جانوری سفال نیشابور (قرون سوم و چهارم هجری قمری)»، همپارتیان و خزائی (۱۳۸۵) در پژوهشی تحت‌عنوان «نقوش انسانی بر سفالینه‌های نیشابور (قرون دهم و یازدهم/ چهارم و پنجم)» و همچنین احمدزاده، حسینی و زنگنه (۱۳۹۷)

در مقاله «مطالعه و شناخت نقوش جاندار بر روی سفالینه‌های نیشابور (در قرن سوم و چهارم ه. ق)» به معرفی و نمادشناسی نقوش انسانی و جانوری در سفال نخودی نیشابور پرداخته‌اند و دیگر انواع سفال این منطقه را نادیده گرفته‌اند.

حفاری‌های باستان‌شناسی متعددی در منطقه سامرا انجام پذیرفته است. نوریج^۳ و همکاران (1985, 1987, 1990)، در سه پژوهش مجزا به نتایج حاصل از چندین کاوش در سامرا اشاره کرده و نمونه‌های سفالین یافت شده را معرفی می‌نمایند. دیماندا^۴ در کتاب *راهنمای صنایع اسلامی* به طور اجمالی به حفاریات سامرا و نیشابور اشاره دارد اما درخصوص سفال‌های مشابه یافت‌شده از این مناطق، مطالب روشنی بیان نکرده است (۱۳۸۳، ۱۵۶-۱۵۷). با استناد به مطالعات انجام‌گرفته، لزوم مطالعه و مقایسه دقیق‌تر تولیدات سفالین سامرا و نیشابور همچنان احساس می‌شود.

۳. سفال نیشابور در سده‌های سوم و چهارم هجری

فراوانی آثار باقی‌مانده و تکامل و ابداع فنون و تکنیک‌های لعابکاری در سده‌های سوم و چهارم هجری، بیانگر آن است که ایران بر ضربه حاصل از حمله اعراب فایق آمده، هویت خود را بازیافته است و تحولی در هنرها به خصوص سفالگری پدید آمده است. در این زمان، با ظهور حکومت‌های محلی در ایران و تشویق حامیان و درباریان، سفالگری وارد مرحله تازه‌ای شد.

همراه با افول قدرت مرکزی عباسیان در آغاز قرن سوم هجری و با پیدایش دولت‌های مستقل محلی در سرزمین‌های اسلامی، پیشرفت سبک‌های محلی و مستقل نیز آغاز شد. هنرهای کهن، احیا و هنرهای تازه ابداع شدند. گرچه سفالینه دوره اسلامی کار خود را از تولید روزمره و کاربردی آغاز کرد، اما از سده سوم هجری، تدریجاً عوامل متعددی موجب شدند هنرمندان سراسر ایران، تحولات تازه‌ای در تولیدات خود پدید آورند. این قرن، شروع تلاش‌های اقتصادی و فرهنگی در جامعه است. «آثار سفالی بیش از هر اثر باقیمانده‌ای، منعکس‌کننده این تحولات است؛ زیرا سیر تطور و تکامل اندیشه‌ها را از روی نوع تزئینات، نوشته‌های کوفی روی سفال‌ها و تجربیات انجام شده در زمینه تهیه لعاب‌های مختلف و کشف لعاب‌های جدید و رنگ‌های مختلف می‌توان دید» (کامبخش فرد ۱۳۷۹، ۲۶۱).

مهم‌ترین دلیل شکوفایی و رواج سفالگری در این دوران، تأمین نیاز بازار بود؛ سادگی و قابل دسترس بودن سفال برای تمام اقشار جامعه و تأثیر احکام دین اسلام و هم‌سو شدن با فرامین دینی، موجب پیدایش ابداعات تازه‌ای در سفال گردید. ظروف سفالین، جانشینان ارزان‌قیمت‌تری برای اشیاء نفیس بودند و همین جنبه اقتصادی، همراه با ظاهر جذاب و پرکشش آن‌ها، نظر همگان را جلب می‌کرد. در واقع، می‌توان گفت که صنعت سفالگری در این دوره از جنبه مصرف خانگی خارج شده و به شکل هنر مطرح می‌شود. شکوفایی این صنعت در منطقه ماوراءالنهر که تحت تسلط سامانیان قرار داشت، اتفاق افتاد.

هرچند چگونگی شروع تولید وسیع سفالینه و مراحل دقیق توسعه آن چندان معلوم نیست، ولی آثار باقی‌مانده، مبنی بر آن است که از سه منبع الهام گرفته‌اند: هنر دوره ساسانی ایران و مخصوصاً طرح سینی‌های سیمین این دوره، هنر سفالگری عراق عصر عباسی خصوصاً سفالینه‌های دوره سامرا و الهام از هنر چین (اتینگهاوزن و گرابر ۱۳۸۲، ۳۰۷-۳۱۰). سفالینه‌های ایران طی سده‌های سوم و چهارم هجری، «عمدتاً متکی به حکومت خلیفه بود، این سفالینه‌های معمولاً وارداتی و یا بدل آنها - که همیشه سبز با همان اسلوب اصلی ساخته نمی‌شوند - از طریق ایران انتشار یافتند» (ویلیکینسون ۱۳۷۹، ۱۳۵). در حالیکه «محصولات سفالین چهار قرن اولیه اسلامی در خراسان هنر تازه، بدیع و نوظهوری قلمداد شده که با آثار سایر نقاط ایران در همین دوران اختلاف فاحش دارند» (کامبخش فرد ۱۳۴۶، ۳۴۱). ویلیکینسون بر این عقیده است که این امکان وجود دارد که شهر نیشابور، مرکز ساخت سفالینه‌های بدون لعاب ساسانی گردیده بود که در طی قرن اول پس از فتح اعراب متداول شده است (Wilkinson 1973, 291). اما هنرمندان ایرانی، عناصر موافق با مقاصد خود را از این هنرها اقتباس کرده و رنگ و بوی ایرانی به آن دادند.

در ظروف لعاب پاشیده ساخت چین، اغلب از سه رنگ سبز، آبی و زرد کهربایی استفاده می‌شد، ولی در ظروف تقلیدی ساخت ایران، علاوه بر این سه رنگ، ارغوانی نیز به کار رفته است (امیری، موسوی کوهپیر، و خادمی ندوشن ۱۳۹۱، ۱۲-۱۳). سفالینه‌های نقش خورده با گلابه از دیگر تولیدات این زمان بودند. «از نمونه‌های به جای مانده چنین برمی‌آید که این ظروف به تعداد زیادی در نیشابور و سمرقند تولید می‌شده است» (آلن ۱۳۸۷، ۲۲). در این سفالینه‌ها، به خاطر جذابیت تزئین با لعاب شفاف، تکنیکی به کار رفته که خاص تولیدات ماوراءالنهر است (تصویر ۱). نیشابور از جمله مناطقی است که حفاری علمی در آن انجام شده و مهم‌ترین تولیدات سفالی این دوره یعنی سفالینه با گلابه نقش خورده از این منطقه به دست آمده است (تصویر ۴). ساخت سفال گلابه‌ای در سده پنجم هجری دچار افت کیفی و کمی فراوانی شد و به برخی از کارگاه‌های محلی محدود گردید (عطایی، موسوی حاجی، و کولابادی ۱۳۹۱، ۸۳).

قابل ذکر است که «در اوایل این دوره تعداد اندکی از شکل‌ها را می‌توان یافت؛ سفالگران تا این زمان علاقه اندکی به خط‌های کناره‌نما نشان می‌دادند. تنها کاسه‌های گرد ساده یا با دیواره کشیده، بشقاب‌های کم‌عمق با لبه تخت، و تعدادی کوزه‌های بزرگ و کوچک، که طرح کلی آن‌ها بدون مطالعه شکل گرفته، در دست است» (پوپ و اکرمین ۱۳۸۷، ۱۷۱۶-۱۷۱۷).

در قرون سوم و چهارم هجری، ظروف، اغلب به شکل کاسه، قح و بشقاب می‌باشند و برای تزئین آن‌ها از کتیبه‌نویسی با خط کوفی استفاده می‌کردند. این کتیبه‌ها، تنها جنبه تزئینی نداشتند و سفال اسلامی را زمینه‌ای برای بیان و ظهور اندیشه اسلامی قرار دادند (تصویر ۵). در واقع، از گونه‌شناسی ظروف و کتیبه‌نویسی، به عنوان یک رسانه و وسیله انتقال اندیشه‌های دینی استفاده شده است. «از انواع سفالینه که در قرون اولیه اسلام با نوشته‌های کوفی همراه بوده است، می‌توان سفالینه با پوشش گلی و زرین فام اولیه را نام برد و از مهم‌ترین مراکز سفال‌سازی که نوشته‌های کوفی آن دارای ارزش ویژه‌ای بوده است، نیشابور است» (کریمی و کیانی ۱۳۶۴، ۶۹). علاوه بر ظروف سفالی با پوشش گلی، ظروف سفید آبی لاجوردی مزین به خطوط کوفی از این منطقه، یافت شده است. از دیگر نقوش به کار رفته برای تزئین ظروف، نقوش جانوری و فیگوراتیو می‌باشند که این نقوش در کاسه‌های گرد و عمیق تصویر می‌شدند (تصویر ۳). این نکته، بیانگر ارتباط نقش در تعیین فرم ظروف می‌باشد.

متخصصان سفال اسلامی، تولیدات سده‌های سوم و چهارم هجری نیشابور را بر اساس شیوه لعاب‌کاری و روش‌های تزئین، مورد بررسی قرار داده و دسته‌بندی کرده‌اند. همچنین، فرم ظروف را مورد توجه قرار داده‌اند که شکل ظروف عموماً کاسه، بشقاب و قح با لبه صاف و گاه برگشته، بدنه کشیده و محدب و کف حلقه‌ای است. مهم‌ترین ظروف تولیدشده در نیشابور، ظروف منقوش گلابه‌ای است که با روش‌های گوناگون تزئین شده‌اند. گروه این آثار را از نظر فرم به هفت نوع دسته‌بندی می‌کند (گروه ۱۳۸۴، ۵۱-۵۳).

از دیگر ظروف تولید شده در نیشابور ظروف معروف به سفال نخودی نیشابور است. «این ظروف اغلب شکل قریبه و بی‌پیرایه و پایه‌ای سنگین و اندکی مقعر همراه با شیارک‌ها و دیواره‌ای تقریباً صاف دارند. دیگر گونه‌ها قاب پهن با پایه‌ای کوچک، کاسه قایقی شکل و به تقلید از ظروف سامرا، با دیواره کوتاه و لبه برگشته‌اند» (همان، ۵۳) و «از اندازه و طرز کار آن‌ها پیداست که برای محافل فرادست و تحصیلکرده و احتمالاً برای طبقات ثروتمند جامعه مثل تجار و بازرگانان تولید می‌شده است» (اتینگهاوزن و گرابر ۱۳۸۲، ۳۱۱).

نوع دیگری از سفال در منطقه نیشابور به دست آمده که از نظر شکل و تزئینات، بسیار شبیه به ظروف بین‌النهرین در همین دوره است (گروه ۱۳۸۴، ۵۳). سفالگران عباسی در این زمان، متأثر از سفال لعاب پاشیده چین بودند. مهم‌ترین ویژگی فرم این ظروف، لبه‌های برگشته و پهن آنهاست. «متداولترین شکل‌ها بشقاب‌های تخت بزرگ با لبه‌های پهن، و تعداد کمی نمونه‌های کوچک‌تر، کاسه‌های بزرگ گود با بدنه مورب گشاد، تعدادی نمونه‌های کوچک‌تر با بدنه کروی، تعداد محدودی به شکل دوری و نعلیکی‌اند. نبود تنگ‌ها، پارچه‌ها و پیاله‌ها در میان آن‌ها چشمگیر است» (پوپ و اکرمین ۱۳۸۷، ۱۷۴۳). همچنین، «در این دوره از گونه‌های دیگر خاور دور نیز تقلید می‌شد؛ مانند ظرف‌های تینگ یا توی سفید ساده

سونگ، کاسه‌ها و بشقاب‌های کوچک با لبه‌های دندان‌دار و دالبری به مقدار نسبتاً فراوانی یافت شده‌اند» (همان، ۱۷۴۷). سفالینه با لعاب پاشیده و نقوش کنده از اغلب مراکز سفالسازی اوایل اسلام به دست آمده است، ولی به طور کلی، شمال شرقی ایران و مناطقی چون نیشابور را می‌توان از مهم‌ترین مراکز ساخت آنها دانست (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴، ۲۱). شکل‌گیری و ظهور این سفالینه‌ها در دوره عباسی، «یکی از ابتکارات جالبی بود که در سده‌ی سوم هجری به وقوع پیوست و در حقیقت به وسیله سفالگران سامانی شکل گرفت» (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۹، ۴۵۹). دیماندر در خصوص آثار سفالین با تکنیک تلفیقی اسگرافیاتو و لعاب پاشیده می‌نویسد: «سفال‌سازان ایرانی که از ظروف ساخت چین پیروی می‌کردند، تنها به تقلید از آن‌ها قناعت نکرده‌اند، بلکه طرح‌های تزئین و رنگ‌آمیزی جدید بکار برده‌اند که در ظروف ساخت چین دیده نمی‌شود» (دیماندر، ۱۳۸۳، ۱۶۰).

اما در میان شیوه‌های تازه‌ای که در این دوره گسترش یافت، تزئین زرین‌فام از این نظر که در فن لعابکاری شیوه‌ای نو و بی‌سابقه بود، دارای اهمیت است (تصویر ۲). زرین‌فام‌های اولیه تقریباً در تمام کاسه‌ها و دوری‌ها به کار برده شده‌اند. در این زمان، ظروف تقلیدی از ظروف زرین‌فام نیز پدید آمدند که دارای پایه‌ای سنگین و اندکی مقعر می‌باشند (گروبه، ۱۳۸۴، ۵۳). در جدول (۱) برخی گونه‌های سفال نیشابور نمایش داده شده است.

جدول ۱. برخی از سفالینه‌های سده چهارم هجری نیشابور، محفوظ در مجموعه خلیلی (گروبه، ۱۳۸۴، ۴۹-۷۳).



تصویر ۳: کاسه، بدنه نخودی (شماره دسترسی pot 389).



تصویر ۲: کاسه، تقلیدی از سفال زرین‌فام (شماره دسترسی pot 1247).



تصویر ۱: قاب، تقلیدی از لعاب لکه‌ای سبز سامرا (شماره دسترسی pot 848).

صناعات همراه ایرا

سال دوم، شماره ۱، پاییز و زمستان ۹۷

۶۱



تصویر ۵: کاسه، تزئین با کتیبه کوفی (شماره دسترسی pot 159).



تصویر ۴: کاسه، نوع منقوش گلابه‌ای (شماره دسترسی pot 850).

۴. سفال سامرا در سده‌های سوم و چهارم هجری

سفال سامرا به عنوان اولین نمونه‌های سفال اسلامی در خاورمیانه، دارای گونه‌شناسی ویژه‌ای می‌باشد که متأثر از سنت‌های گذشته و سفالینه‌های وارداتی چین بوده است. برخی کارشناسان، نقش مبادلات تجاری با کشور چین را بر سفالگری اسلامی دوره عباسی پر رنگ‌تر از عوامل دیگر دانسته‌اند. این در حالی است که «احتمال می‌رود که حتی ساخت لعاب از سوی ایران به کشور چین نیز سرایت کرده است» (کامبخش فرد ۱۳۴۶، ۳۴۲). از سوی دیگر، حمایت ایرانیان از عباسیان برای رسیدن به قدرت و به دنبال آن، نفوذ یافتن در دستگاه حکومتی، گامی مهم در ارتقای هنر اسلامی بوده است.

عراق، زمانی به طور سنتی، «امپراتور سرزمین‌های شرق باستان بود که مرکز قدرت سیاسی اسلام در قرن هشتم میلادی، حکومت عباسی به شمار می‌رفت» (Mason 2004, 23). در زمان عباسیان، با انتقال پایتخت از دمشق به بغداد، دانشمندان، هنرمندان و سفالگران بی‌شماری از سرتاسر سرزمین‌های اسلامی در این شهر گرد آمدند. دور از انتظار نیست که در ابتدا سفالگران عراقی از سفالینه‌های دیگر کشورهای تحت سلطه خلفای عباسی تقلید کرده باشند و با گذشت زمان، به مهارت رسیده باشند. در این دوره، جاده ابریشم مهم‌ترین راه خشکی بود که با جاده دوره هخامنشی ترکیب یافته و از بغداد شروع می‌شد و پس از ورود به ایران، به موازات کوه‌های زاگرس می‌گذشت. جاده شاهی در ایران از شهرهایی چون ری، نیشابور و در ماوراءالنهر از بخارا و سمرقند گذر می‌کرد (اشپولر ۱۳۸۰، ۱۸۸). تقلید از سفالینه‌های چینی دوره تانگ به حدی رسید که گاهی تفکیک تولیدات اسلامی و سفالینه‌های وارداتی از چین بسیار مشکل می‌شود (تصویر ۱۳). این امر، «نشان‌دهنده این مطلب است که تقلید در فرم و گونه‌شناسی ظروف نیز مطرح بوده و ظروف ساخته شده بسیار شبیه ظروف وارداتی چین بوده است. البته هنرمندان مسلمان در ساخت ظروف، تنها تقلید نکرده، بلکه پس از چندی خود مبدع فرم خاصی از ظروف شدند که امروزه به سفال سامرا مشهورند. ظروف یافت شده در سامرا اغلب بشقاب و کاسه می‌باشند ولی به گفته محققان، فنجان‌هایی با دیواره عمودی و کوزه بدون گردن با دسته‌های عمودی نیز وجود داشته‌اند» (گروه ۱۳۸۴، ۲۴) (تصاویر ۱۰-۱۲).

سفالگران سامانی برای کسب نتیجه بهتر جهت نقاشی، سطح کار خود را در ابتدا با گلابه‌ای سفید می‌پوشاندند. «رایج‌ترین سفالینه این حومه که خوشبختانه تعداد قابل‌ملاحظه‌ای از آن باقی مانده با رنگ لاجوردی تیره روی پوشش گلی سفید و پس از آن با یک لعاب بی رنگ پوشش داده شده است. این رنگ آبی گاه با رنگ سبز زمردی که نفوذی فوق‌العاده دارد در نوسان است» (پوپ و اکرم ۱۳۸۷، ۱۷۲۹). سفالگران عراقی نیز برای دستیابی به این زمینه، به لعاب شفاف، اکسید قلع می‌افزودند. «شیوه استفاده از اکسید قلع، سفالگر عراقی را قادر به ساخت سفال‌هایی کرده بود که گرچه مواد به کار رفته در بدنه آنها نرم‌تر بود اما به لحاظ شکل ظاهر، شباهت زیادی به نمونه‌های مشابه چینی داشتند» (Wilkinson 1973, 18). بدین ترتیب، سفالینه‌های لعابدار سفید عراقی که به تقلید از نمونه‌های وارداتی خاور دور ساخته می‌شدند، دارای لعاب سربی بودند که «حاوی ذرات معلق اکسید قلع می‌باشد، که لعاب را اندکی غلیظ‌تر کرده و مهم‌تر این که لعاب به رنگ سفید مات در آمده است» (ویلسن آلن ۱۳۸۷، ۱۸). «با این وجود احتمال زیادی وجود دارد که بیشترین نفوذ و تأثیرگذاری بر سفالگران شمال شرقی دوران سامانیان مربوط به عراق بوده، سفالگران تنها تأثیر اندکی از خاور دور گرفته باشند» (همان، ۲۳ و ۲۴). سفالینه‌های مشابهی با این ویژگی در نواحی نیشابور و سامرا کشف شده‌اند. «نمونه‌های عراقی دارای تزئیناتی به رنگ آبی کبالت است که روی لعاب مات آنها کتیبه‌هایی نقش شده است. ظروف ایرانی نیز، با رنگ سبز مسی رنگ‌آمیزی می‌شد و گاهی طرح‌ها و کتیبه‌های زردرنگ روی آنها قرار می‌گرفت» (فهروری ۱۳۸۸، ۱۱). نمونه‌های مشابه به دست آمده، «دارای شکل ساده هستند و معمولاً به صورت کاسه‌های پهن با دیواره کوتاه برگشته رو به خارجند که به لبه‌ای پهن منتهی شده‌اند و پایه‌های بسیار کوتاه دارند که در مواردی بیش از یک حلقه نیست و گاه کمتر از حدود نیم سانتی‌متر از بدنه کاسه جلو آمده است و همواره با پوشش گلی و لعاب شفاف پوشانده شده‌اند» (پوپ و اکرم ۱۳۸۷، ۱۷۲۹). تفاوت‌هایی در بدنه آثار سفالین ایران و عراق وجود دارد؛ «تشخیص بدنه رسی عراقی از قطعات رسی نیشابور چنین است که نوع عراقی معمولاً به

رنگ قرمز براق با ویژگی بدنه نازک کالاهای وارداتی می‌باشد و از شکل خوب و نوسانات کمی در شکل خود برخوردار است. حلقه پایه یکی از ویژگی‌هایی بود که کپی نمی‌شد. اغلب، پایه طرف‌های محلی به‌طور معمول، کاملاً صاف و یا تنها کمی مقعر ساخته می‌شده‌اند، یک شیار در عرض نزدیک به لبه به فاصله ۵ میلی‌متر نیز دارند» (Wilkinson, 1973, 180).

ضخامت و زمختی بدنه‌های رسی ایرانی، کاملاً مشخص می‌باشد و زمینه با گلابه سفید مایل به خاکستری (خاص سفالگران سامانی) پوشانده شده است. به‌کارگیری اکسید قلع در لعاب، قدمتی بیش از دوره اسلامی دارد و بر اساس شواهد موجود، در دوره اشکانی نیز رواج داشته است (آربری ۱۳۸۴، ۱۶۴). «برای تزئین و ساخت ظروف سفید عراقی، دو ماده وارداتی نیاز بوده است. قلع برای ایجاد لعاب مات سفید زمینه، از سوریه وارد می‌شده است. ممکن بود از کاشان



تصویر ۶: سمت راست: سفال نیشابور، محفوظ در موزه متروپولیتن (Wilkinson 1973, 194).

سمت چپ: سفال عراق، احتمالاً سامرا، محفوظ در موزه طارق رجب کویت (شماره دسترسی CER35TSR. 23).

در ایران نیز تهیه گردد و دیگری کبالت برای ایجاد آبی، آبی سبز که از ایران و قفقاز تهیه می‌شده است» (Lane, 1958, 212-213). در حالیکه ویلکینسون می‌نویسد: «در آن سفالینه‌هایی که با کبالت تزئین می‌شدند، منگنز به کار رفته که به جای رنگ آبی، مایه ارغوانی ایجاد می‌کرد این تغییر عجیب است زیرا کبالت در ایران یافت می‌شد نه در عراق» (ویلکینسون ۱۳۷۹، ۱۳۵).

در یک نمونه از این دسته، تزئینات تا حدودی غیرمعمول است. سه شکل بادامی با برگ گشنیزی با رگه و سه برگ عادی، در اطراف یک نقطه مرکزی قرار گرفته‌اند. کاسه تقریباً یکسانی در کاوش‌های باستان‌شناسی سامرا به‌دست آمده، در حالیکه نوع دیگر به همان شکل و دکوراسیون مشابه اما بدون برگ‌های گشنیزی شکل، در نیشابور یافت شده است. تقریباً تمام این ظروف نقاشی شده با آبی کبالت، متعلق به عراق می‌باشند (Mason 2004, 38-40) (تصویر ۶). به‌طور کلی احتمال دارد تکنیک سفید آبی کبالت توسط سفالگران ساکن عراق ابداع شده و تزئین خط روی آنها توسط ایرانیان توسعه یافته باشد. در جدول (۲) نمونه‌هایی از گونه‌های سفال یافت‌شده در سامرا نمایش یافته است.

صنعت سفال زرین‌فام در ایران، عراق و مصر پدید آمد و دلیلی در دست نیست که بتوان اینکار آن را به ناحیه‌ای خاص از نواحی اسلامی نسبت داد، «اما وجود آن در ایران از روزگاران نخست اسلام با دلایل نیرومند ثابت شده است» (محمدحسن ۱۳۷۷، ۱۵۴). کاوشگران، این سفالینه‌ها را در ایران، به مناطقی چون نیشابور منسوب داشته‌اند و در عراق به نمونه‌های کشف‌شده در سامرا اکتفا نموده‌اند. «نمونه‌های بدست آمده از سامرا به قدمت نمونه‌های ایران است، و نیز حداقل قالب آنها در عراق ساخته شده‌اند و در تلاش برای اثبات کردن اینکه این سفالینه تولید محلی بوده، مشخصه بدنه آن مطرح شده است. اما بی‌تردید همین گل زرد نرم دانه دانه به فراوانی در سفالینه‌ها یافت شده است. از سوی دیگر ویژگی تزئین تأییدکننده است. هیچ یک از نمونه‌های بدست آمده از سامرا پیکره جانور یا انسان را که نقش مایه‌های معمولی روی نمونه‌های یافت شده در ایران است را نشان نمی‌دهند» (پوپ و اکرم ۱۳۸۷، ۱۷۳۷).

بررسی‌ها و مطالعات آرتور پوپ نشان می‌دهد که ایران، منشأ اصلی تولید سفال زرین فام است. «تولیدات هنری عراق، بغداد و شهرک و پایتخت کوتاه مدت سامرا، که هر دو برآمده از خلاقیت بودند، نه بر اساس سنت بومی بلکه بر پایه فرهنگی التقاطی از منابع مختلفی بوده که ایران خود پراهمیت‌ترین آنهاست» (همان، ۱۷۳۸). کاوش‌های انجام شده نشان می‌دهد که شمار سفالینه‌های منقوش زرین فامی که به ترتیب در عراق و ایران یافت شده یکسان نیست. «افزون بر این، در عراق سفالینه زرین فام اولیه فقط در یک محل پیدا شده، در حالیکه در ایران در نواحی نامحدود و پراکنده‌ای کشف شده است» (همان‌جا). پوپ و اکرم‌ن اظهار می‌کنند که زرین فام‌های سامرا، قهوه‌ای نسبتاً تیره‌ای است و در نمونه‌های ایرانی، ته رنگ زرد طلایی، قهوه‌ای مایل به زرد یا زرد لیمویی درخشان دارد (همان، ۱۷۳۷) اما مطالعات آتی به تکمیل این توضیحات منجر گردیده است. در مورد سفال سامرا، چندین شیوه‌ی لعابکاری ذکر شده است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- ۱- لعاب سفید با تزئین لاجورد: ظروف رایج این نوع تزئین، کاسه‌هایی لب برگشته با حلقه پایه، بشقاب تخت و همچنین کاسه‌های پایه‌دارند.
- ۲- لعاب سفید با تزئین لاجورد و سبز قهوه‌ای: بیشتر این نوع سفال‌ها، قح و دوری‌های کم‌عمق با لبه‌های پهن و قاعده فرو رفته می‌باشند.
- ۳- زرین فام روی لعاب سفید: در سه گروه رنگی اخراپی و قهوه‌ای، یاقوتی و تکرنگ قهوه‌ای جای می‌گیرد و مشتمل بر کاسه‌های دهانه‌گشاد با حلقه پایه و لبه برگشته است (تصاویر ۷-۹ و ۱۴).

جدول ۲. نمونه‌هایی از سفال سامرا (نگارندگان).



تصویر ۸: بشقاب با نقاشی زرین فام طلایی، محفوظ در موزه هنر اسلامی برلین (شماره دسترسی Sam 1102).



تصویر ۷: کاسه زرین فام، عرضه شده در حراجی کریستی (اکتبر ۲۰۰۶، lot 50).



تصویر ۱۰: کاسه مخروطی با لعاب پاشیده سبز و کتیبه کوفی، عرضه شده در حراجی کریستی (اکتبر ۲۰۰۰، lot 500).



تصویر ۹: کاسه زرین فام یاقوتی و چند رنگ، عرضه شده در حراجی کریستی (اکتبر ۲۰۰۱، lot 247).



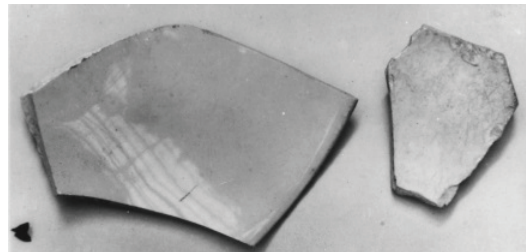
تصویر ۱۲: کاسه با نقاشی آبی و سفید، عرضه شده در حراجی کریستی (ژانویه ۲۰۰۹، Lot 798).



تصویر ۱۱: کاسه، تقلید از سفال چین، محفوظ در موزه هنر اسلامی برلین (شماره دسترسی Sam. 748).



تصویر ۱۴: قطعه‌ای کاشی شکسته، زرین فام چندرنگ، محفوظ در موزه متروپولیتن (شماره دسترسی 23.75.25).



تصویر ۱۳: قطعه‌ای شکسته از یک کاسه، ساخت چین، یافت شده در سامرا، محفوظ در موزه متروپولیتن (شماره دسترسی 23.75.18).

- ۴- سفال مات سفید ساده: فرم این سفال‌ها تقلیدی از چینی‌های قرن سوم هجری و سفال‌های خمیر سنگی سفید با حاشیه‌های گلبرگی شکل و رگبرگ‌های پرتویی و حلقه‌های پایه پهن است.
- ۵- لعاب لکه‌ای: شامل کاسه‌های گرد و کف تخت با لکه‌های سبز و قهوه‌ای زیر دهانه می‌باشد (گروبه ۱۳۸۴، ۲۲-۲۴).

۵. نتیجه‌گیری

در سده‌های آغازین دوره اسلامی، صنعتگران سفالگر به تبعیت از دین جدید و رضایت حکام به خلق سفالینه‌هایی با ویژگی تقلید و پیروی از هنر ساسانی و چینی در قالبی مبتکرانه و متمایز پرداختند. پس از تسلط اعراب بر محدوده ایران ساسانی و به میراث بردن سنت‌های هنری آنان، تحت لوای خلافت عباسیان، تدریجاً سفالگری عباسی در مراکزی مانند نیشابور و مناطقی از بین‌النهرین شکل گرفت. بررسی‌ها حاکی از آن است که سفالگری اسلامی عراق، ابتدا از این سرزمین‌ها نشأت گرفته و در نهایت با مهاجرت سفالگران سرزمین‌های دیگر به عراق، به مرحله ظهور رسیده و با گذشت زمان با پیشرفت‌های قابل توجهی مواجه گردیده است. از نقاط عطف تاریخ سفال این دوران، ابداع نقاشی‌های زیرلعابی سفید با آبی لاجوردی و قهوه‌ای، تولید زرین‌فام‌های تک‌رنگ اولیه طلابی و ابداع تکنیک تلفیقی اسگرافیاتو با تکنیک لعاب پاشیده می‌باشد.

تنوع فرم سفالینه‌های نیشابور این محدوده زمانی، بیشتر به شکل کاسه، قح و بشقاب با لبه صاف و گاه برگشته، بدنه کشیده و کف حلقه‌ای است. این سفالینه‌ها با تکنیک‌های پوشش گلی، نقاشی زیرلعابی سفید با آبی لاجوردی، لعاب پاشیده، نقش کنده و زرین‌فام تزئین شده‌اند. سفالینه‌های سامرا در این زمان، اغلب به شکل بشقاب، کاسه، فنجان‌هایی با دیواره عمودی و کوزه بدون گردن با دسته‌های عمودی می‌باشند که با تکنیک پوشش گلی، نقاشی زیرلعابی سفید با آبی لاجوردی و قهوه‌ای، لعاب مات سفید به تقلید از سفال چین، لعاب پاشیده و زرین‌فام مزین شده‌اند.

در ترکیبات بدنه‌های سامرا و نیشابور، تفاوت‌هایی مشهود است. بدنه‌های رسی عراقی معمولاً قرمز براق با ویژگی بدنه نازک هستند که از نوسانات کمی در شکل برخوردار است. حلقه پایه، یکی از ویژگی‌هایی است که کمی نمی‌شد و در هر منطقه، ویژگی خاص خود را داراست. ضخامت و زمختی بدنه‌های ایرانی، کاملاً مشخص می‌باشد و زمینه با گلابه سفید مایل به خاکستری (خاص سفالگران سامانی) پوشانده شده است. اضافه کردن اکسید قلع به لعاب سفید در تکنیک پوشش گلی توسط سفالگران عراقی صورت گرفت و موجب مات و غلیظ شدن لعاب گردید.

وجود نمونه‌های سفال مشابه در نیشابور و سامرا، حاکی از تأثیرات هنر ساسانی، هنر چین و سفالگران مقیم عراق می‌باشد که ویژگی‌های منحصر سفال دوره عباسی را رقم می‌زنند. عواملی چون:

۱- سیاست (انتقال پایتخت به بغداد) ۲- تجارت (واردات ظروف سفالی چینی) ۳- پیوند و ارتباط خانوادگی (ایرانیان و عباسیان) ۴- گردهمایی صنعتگران، هنرمندان و دانشمندان شامی، قبطی، ایرانی، بیزانسی در بغداد ۵- وجود راه‌های تجاری آبی و خاکی (سیراف و جاده ابریشم) و ۶- نقش پر رنگ ایرانیان در تجارت این دوره، تأثیرات گسترده و مهمی را بر آفرینش این سفالینه‌ها برجای گذارده است.

پی‌نوشت‌ها

1. Grube
2. Wilkinson
3. Northedge
4. Dimand

منابع

- اتینگهاوزن، ریچارد، و الگ گرابر. ۱۳۸۲. هنر و معماری اسلامی (۶۵۰ - ۱۲۵۰). تهران: سمت.
- احمدزاده، فرید، سید هاشم حسینی، و لیلا زنگنه. ۱۳۹۷. «مطالعه و شناخت نقوش جاندار بر روی سفالینه‌های نیشابور (در قرن سوم و چهارم ه. ق.)». فصلنامه علمی ترویجی جلوه هنر ش. ۱۹: ۷-۲۰.
- اشیپولر، برتولد. ۱۳۸۰. «تجارت سرزمین‌های شرقی در سده‌های نخستین اسلامی». فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام ش. ۵: ۱۸۳-۱۹۶.
- امیری، مصیب، سید مهدی موسوی کوهپر، و فرهنگ خادمی ندوشن. ۱۳۹۱. «طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های ساسانی-اسلامی بیشاپور مطالعه موردی: سفال‌های فصل نهم کاوش». دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات باستان‌شناسی ۴ (۱): ۱-۳۲.
- آربری، آرتورجان. ۱۳۸۴. میراث ایران. تالیف سیزده تن از خاورشناسان زیر نظر آرتورجان آربری. ترجمه احمد بیرشک و دیگران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- آزادبخت، مجید، و محمود طاووسی. ۱۳۹۲. «استمرار نقش مایه‌های ظروف سیمین دوره ساسانی بر نقوش سفالینه‌های دوره سامانی نیشابور». فصلنامه علمی پژوهشی نگره ش. ۲۲: ۷ (۲۲): ۵۷-۷۲.
- آلن، جیمز ویلسن. ۱۳۸۷. سفالگری در خاورمیانه از آغاز تا دوران ایلخانی در موزه آسمولین آکسفورد. ترجمه مهناز شایسته‌فر. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- پوپ، آرتور ایهام، و فیلیس اکرمین. ۱۳۸۷. سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا به امروز، ج. ۴. ترجمه نجف دریابندری و دیگران. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- چنگیز، سحر، و رضا رضالو. ۱۳۹۱. «ارزیابی نمادین نقوش جانوری سفال نیشابور (قرون سوم و چهارم هجری قمری)». فصلنامه علمی پژوهشی هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی ش. ۴۷: ۳۳-۴۴.
- دیمانده، موریس اسون. ۱۳۸۳. راهنمای صنایع اسلامی. ترجمه عبدالله فریار. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

- عطایی، مرتضی، رسول موسوی حاجی، و راحله کولابادی. ۱۳۹۱. «سفال منقوش گلابه‌ای (انواع، گستردگی، تاریخ‌گذاری)». فصلنامه علمی پژوهشی نگره ش. ۲۳: ۷۰-۸۷.
- فهروری، گزا. ۱۳۸۸. *سفالگری جهان اسلام در موزه طارق رجب کویت*. ترجمه مهناز شایسته‌فر. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- کامبخش فرد، سیف‌الله. ۱۳۴۶. «سفالگری نیشابور در عهد سلجوقیان». *دوماهنامه تاریخ ش.* (۳ و ۴): ۳۳۹-۳۶۰.
- _____. ۱۳۷۹. *سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر*. تهران: ققنوس.
- کریمی، فاطمه، و محمد یوسف کیانی. ۱۳۶۴. *هنر سفالگری دوره اسلامی ایران*. تهران: ارشاد اسلامی.
- گروه، ارنست ج. ۱۳۸۴. *سفال اسلامی*. ج. ۷. از مجموعه هنر اسلامی. ترجمه فرحناز حائری. تهران: نشر کارنگ.
- محمدحسن، زکی. ۱۳۷۷. *هنر ایران*. ترجمه محمد ابراهیم اقلیدی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ویلکینسون، چارلز ک. ۱۳۷۹. «زنگ و طرح در سفالینه ایرانی». در *اوج‌های درخشان هنر ایران*، ۱۳۳-۱۴۹. تهران: نشر آگاه.
- همپارتیان، مهرداد، و محمد خزائی. ۱۳۸۵. «نقوش انسانی بر سفالینه‌های نیشابور (قرون دهم و یازدهم / چهارم و پنجم)». *دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات هنر اسلامی* ۲ (۳): ۳۹-۶۰.
- Northedge, Alastair. 1985. *Planning Sāmarrā': A Report for 1983-4, Iraq*. Vol. 47: 109-128.
- Northedge, Alastair, Robin Falkner. 1987. *the Survey Season at Sāmarrā'* 1986, Iraq. Vol. 49: 143-173.
- Northedge, Alastair, T. J. Wilkinson, Robin Falkner. 1990. *Survey and Excavations at Sāmarrā' 1989*, Iraq. Vol. 52: 121-147.
- Wilkinson, Charles .K. 1973. *Nishapur Pottery of the Early Islamic period*. New York: Metropolitan Museum of Art.
- Mason, Robert B. 2004. *Shine like the sun: Lustre-painted and Associated Pottery from the Medieval Middle East*. Costa Mesa, California: mazdapublishers.
- Lane, Arthur. 1958. *Early Islamic pottery*. Fourth Edition. London: Faber and Faber.
- www.christies.com
- www.metmuseum.org
- www.smb.museum
- www.trmkt.com